

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منتشر شده در مینت پرس
نویسنده: رابرت اینلاکش
برگردان: جنوب جهانی
فرستنده: طاهر بختری
۱۰ جنوری ۲۰۲۵

اسرائیل و حماس

بخش ۳ – بکس های پول نقد قطری: نقش اسرائیل در «تأمین مالی حماس»



ممکن است شنیده باشید که بنیامین نتانیاہو، نخست‌وزیر اسرائیل، از حماس در غزه حمایت می‌کند... اما آیا ماجرا به همینجا ختم می‌شود؟

برخی معتقدند که نتانیاہو با حماس نوعی «ائتلاف» یا حداقل وابستگی متقابل ایجاد کرده است تا اهداف خود را پیش ببرد. اما آیا این ادعا واقعیت دارد؟

در دو بخش اول این مجموعه، بررسی کردیم که آیا اسرائیل به ایجاد حماس کمک کرده و این که آیا از حماس برای تخریب روند صلح اسلو استفاده کرده است یا خیر. اکنون به پرسش دیگری می‌پردازیم: آیا نتانیاہو از کمک‌های مالی قطر برای حمایت از حماس استفاده کرده است تا مانع از حل‌وفصل واقعی این درگیری شود؟

بیانید با نقل قولی از نتانیاہو در یک جلسه خصوصی حزب لیکود در سال ۲۰۱۹ شروع کنیم: «هرکس بخواهد مانع از تأسیس یک دولت فلسطینی شود، باید از تقویت حماس و انتقال پول به حماس حمایت کند... این بخشی از استراتژی ماست: جدا کردن فلسطینی‌های غزه از فلسطینی‌های کرانه باختری.» اگرچه نتانیاہو این اظهارات را انکار کرده است، بیانید فرض کنیم که او چنین چیزی گفته باشد.

او به اجرای تصمیمی اشاره می‌کرد که اولین بار در اگست ۲۰۱۸ اتخاذ شد؛ زمانی که کابینه امنیتی اسرائیل انتقال پول نقد از قطر به حماس را تصویب کرد، پولی که به صورت فزیکتی در بکس ها تحویل داده شد.

ممکن است پرسید، چرا؟ برای درک بهتر این موضوع باید کمی به عقب بازگردیم.

در سال ۲۰۱۷، عربستان سعودی و ائتلافی از کشورهای عربی حامی امریکا محاصره‌ای را علیه قطر اعمال کردند و آن را به حمایت از «افراطگرایی» متهم کردند و خواستار قطع حمایت مالی دوحه از حماس شدند. این فشارها، حماس را از نظر مالی تحت فشار قرارداد اما در نهایت نتیجه معکوس داد—این گروه را به ایران، دیگر متحد کلیدی اش، نزدیکتر کرد.

در همان سال، حماس منشور جدیدی منتشر کرد که در آن راحل دو کشوری را پذیرفت و یهودستیزی را رد کرد. آن‌ها حتی با تشکیلات خودگردان فلسطینی برای به دست گرفتن کنترل مدنی غزه توافق کردند. با این حال، فشار اسرائیل و امریکا بر تشکیلات خودگردان این توافق را پیش از اجرائی شدن آن نابود کرد.

در ضربه‌ای شدید به اقتصاد از پیش نابسامان غزه، تشکیلات خودگردان فلسطینی پرداخت حقوق کارکنان خود در غزه را در اواخر سال ۲۰۱۷ متوقف کرد.

در ۳۰ مارچ ۲۰۱۸، حماس از تظاهرات بازگشت بزرگ حمایت کرد؛ جایی که هزاران غزه‌ئی به طور مسالمت‌آمیز در امتداد حصار جدائی تظاهرات کردند. پاسخ اسرائیل چه بود؟ نیروهایش صدها تظاهرکننده غیرمسلح را به قتل رساندند و ده‌ها هزار نفر را زخمی کردند.

با تغییر تاکتیک‌های حماس، نزدیکی بیشتر آن با ایران و عدم پاسخگویی اسرائیل به اقدامات غیرخشونت‌آمیز، اسرائیل کمک‌های مالی قطر را برای کاهش تنشج ها تصویب کرد. این اقدام نه برای ایجاد یک «ائتلاف» بلکه برای جلوگیری از شعله‌ور شدن درگیری‌های مسلحانه انجام شد.

نتانیاهو این اقدام را دفاع کرده و ادعا کرد هدف آن «بازگرداندن آرامش به روستاهای جنوب» بوده است. این کمک‌های قطر حتی پس از خروج نتانیاهو از قدرت در دوران نخست‌وزیری نفتالی بنت و یائیر لاپید در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ نیز ادامه داشت. بنی گانتس، که اکنون یکی از مخالفان برجسته نتانیاهو است، در زمان انتقال کمک‌های قطر به غزه وزیر دفاع بود.

یکی دیگر از جنبه‌های این بحث درباره ائتلاف نتانیاهو-حماس این است که نتانیاهو عمداً کرانه باختری را در برابر غزه قرار داده است. با این حال، این شکاف در سال ۲۰۰۶ آغاز شد، زمانی که حماس در انتخابات قانونگذاری فلسطین پیروز شد. این دوران تحت حکومت آریل شارون، نخست‌وزیر وقت اسرائیل بود، کسی که در سال ۲۰۰۵ تصمیم گرفت از غزه عقب‌نشینی کند و آن را تحت محاصره قرار دهد.

این ایده که نتانیاهو ناگهان «حماس را تقویت کرده» نیز سیاست‌های پیشین اسرائیل را که هدفشان عمیق‌تر کردن شکاف‌ها میان جناح‌های فلسطینی بود نادیده می‌گیرد. در سال ۲۰۰۷، جنگ داخلی فلسطینی میان حماس و فتح رخ داد. در آن زمان، اهود اولمرت، نخست‌وزیر اسرائیل و دولت حزب کارگر از یک کودتای مخفی حمایت کردند که توسط دولت بوش برای فتح تأمین مالی و تسلیح شده بود تا حماس را در غزه سرنگون کند. هنگامی که حماس این توطئه را کشف کرد و کودتا را شکست داد، کنترل کامل غزه را به دست گرفت و تشکیلات خودگردان فلسطینی تحت رهبری فتح را بیرون راند.

پس از این وقایع، اسرائیل بارها تلاش کرد تا از هرگونه اتحاد مجدد میان تشکیلات خودگردان فلسطین در کرانه باختری و حماس در غزه جلوگیری کند. اسرائیل محاصره غزه را تشدید کرد و در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۸، دولت

اولمرت اولین حمله نظامی بزرگ به این منطقه را آغاز کرد و سیاستی برای تقسیم میان غزه و کرانه باختری اعمال نمود. در همین زمان، قطر همچنان به حمایت از حماس ادامه می‌داد.

در همین دوران، یک سند دیپلماتیک فاش شده ایالات متحده در مارچ ۲۰۰۸، ستراتیژی اسرائیل را برای ننگه داشتن غزه «در آستانه فروپاشی» نشان داد. هدف، طبق این سند، گرسنگی دادن به مردم غیرنظامی غزه به قدری بود که آن‌ها علیه حماس شورش کنند، و این در زمانی بود که نتانیاها در قدرت نبود.

این موضوع چه معنایی دارد؟ به‌طور غیرقابل‌انکاری، نتانیاها برای جلوگیری از ایجاد یک دولت فلسطینی تلاش کرده و به‌طور مستقیم مانع تلاش‌ها برای اتحاد فلسطینی در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۷ شده است. اما این ادعا که او حماس را «تقویت» کرده، بسیار اغراق‌آمیز است.

در نهایت، ایده وابستگی نتانیاها به حماس بر دو فرض استوار است: اول، این که نتانیاها تنها مسؤول سرکوب فلسطینیان است و نقش گسترده‌تر اسرائیل نادیده گرفته می‌شود. دوم، این که حماس بر اساس تصویری شرق‌شناسانه از این گروه عمل می‌کند؛ تصویری که آن را مجموعه‌ای از کلیشه‌های مسلمانانه نشان می‌دهد و انگیزه‌های آن را با تمایل «کهن برای کشتن یهودیان» توصیف می‌کند، همان‌طور که جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، ادعا کرده است.

این فرضیات اجازه می‌دهند که یک استدلال طرفدار اسرائیل، تمام جنایات اسرائیل را بر گردن نتانیاها بیندازد و در عین حال حماس را از هرگونه زمینه تاریخی محروم کند. این استدلال تلاش می‌کند اعضای حماس را با یک گرایش ژنتیکی که آن‌ها را به تروریسم علیه یهودیان سوق می‌دهد توصیف کند، و همچنین فرض می‌کند که آن‌ها از نظر فکری ضعیف هستند و براحتی می‌توان آن‌ها را به اتحاد با دشمن‌شان فریب داد.

شیخ احمد یاسین، بنیان‌گذار حماس، که در سال ۱۹۸۸ در یک حمله هوایی اسرائیل ترور شد، زمانی گفته بود: «بهترین راه حل این است که همه مسیحیان، یهودیان و مسلمانان—در فلسطین، در یک دولت اسلامی زندگی کنند.» این اظهار نظر با بسیاری از مفاهیمی که در منشور اصلی این جنبش آمده و اغلب به‌عنوان نماینده تفکر امروزی این گروه نقل می‌شود، تناقض دارد.

علی‌رغم مخالفت بسیاری با حماس و تاکتیک‌های آن، این گروه امروز از سوی اکثریت فلسطینیان به‌عنوان یک جنبش مقاومت در برابر اشغالگری شناخته می‌شود. در میان انبوه جنبش‌های مسلح فلسطینی، از سکولار و مارکسیست تا اسلامی، که همگی از تاکتیک‌های مشابهی علیه اسرائیل استفاده می‌کنند، این حماس بود که به قدرتمندترین گروه تبدیل شد.

در حالی که اسرائیل واقعاً از اختلافات میان فلسطینیان به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد منافع خود استفاده کرده، اقدامات آن بر تضعیف مقاومت مسلحانه متمرکز بوده است، نه حمایت مستقیم از یک گروه خاص. ادعاهایی که می‌گویند اسرائیل «حماس را ایجاد کرده» یا این که نتانیاها «آن‌ها را تقویت کرده» با واقعیت‌ها همخوانی ندارد.

۰۶ جنوری ۲۰۲۵

رابرت اینلاکش تحلیلگر سیاسی، روزنامه‌نگار و مستندساز مستقر در لندن، بریتانیا است. او از سرزمین‌های اشغالی فلسطین گزارش داده و در آنجا زندگی کرده است. همچنین مجری برنامه «پرونده‌های فلسطین» و کارگردان مستند «سرقت قرن: فاجعه ترمپ برای فلسطین و اسرائیل» است. او را در توئیتر دنبال کنید @falasteen47: